

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امت اسلامی، اکنون بار دیگر، میعاد بزرگ سالیانه‌ی خود را برگزار کرده و به فراخوان: و اَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ به شایستگی پاسخ داده است. این فریضه‌ی بی‌نظیر نیز مانند دیگر فرائض الهی، خزانه‌ی رحمتی است که در موعد خود به روی بندگان گشوده میشود و فرصتی برای بهره‌گیری از فیض بی‌مُنتهای خداوند در دسترس آنان میگذارد .

حج، از این جهت، استثنائی و بی‌همتا است که در آن، هم دل‌ها و جانها صیقل مییابد و یکایک حاجیان بقدر همت و ظرفیت خود از این باران رحمت، برخوردار میشوند؛ و هم شخصیت کلان امت اسلامی که از ملتها و نژادها و اقلیمها و فرهنگها تشکیل شده است، میتواند در آن به انسجام و شجاعت و بیداری و خودآگاهی بیشتر نائل آید .

و این، نیاز بزرگ امروز دنیای اسلام است. دنیای اسلام پس از رخوت و خواب آلودگی دراز مدت و خسارتبار خود که سرانجام به سیطره‌ی سیاسی و فرهنگی بیگانگان انجامید و منابع مادی و بشری‌اش در خدمت رشد و اقتدار و سلطه‌ی دشمنانش قرار گرفت، اکنون خود را باز یافته و بمرور، در برابر غارتگران و حرامیان، جبهه گرفته است. نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده، و پا نهادن اسلام به عرصه‌ی عمل، به مطالبه‌ئی جدّی بدل شده است. نظریه‌ی: «اسلام سیاسی» «جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مدّ نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است. با افول اندیشه‌های وارداتی و پر جنجال همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و بخصوص با دریده شدن پرده‌ی ریا و فریب از روی دموکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادیبخش اسلام، از همیشه

آشکارتر گشته و بی‌رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی‌طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است .

جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان بنام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه‌ی بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند. در مناطقی از دنیای اسلام که نقطه‌ی اوج آن کشور مظلوم فلسطین است، مردان و زنان بیشماری با بذل جان در زیر پرچم اسلام و با شعار استقلال و عزت و آزادی، حماسه‌ئی دائمی و همه‌روزه پدیده آورده و قدرتهای مادی مستکبر را در برابر دلیری خود زبون ساخته‌اند.

آری، بیداری اسلامی، محاسبات استکباری را به هم ریخته و معادلات جهانی مطلوب مستکبران را تغییر داده است. از سوی دیگر پیدایش و رشد اندیشه‌های نوین اسلامی در چهارچوب مبانی و اصول اسلام، و نوآوری در عرصه‌ی سیاست و علم، بالندگی و پویائی مکتب اسلام را در عمل به اثبات رسانده و میدانی وسیع در برابر متفکران و روشن بینان جهان اسلام گشوده است. استعمارگران دیروز و مستکبران امروز که با سیاستهای مکارانه‌ی خود میخواستند جوامع اسلامی را در تعارض دائمی میان جمود و تحجّر از سوئی و خودباختگی و التقاطی‌گری از سوی دیگر سرگردان کنند، اکنون خود را در برابر این پویائی دلیرانه‌ی فکر اسلامی می‌بینند .

در دنیای اسلام، اندیشه و حرکت، ایمان و عمل صالح، در حال رشد و جوانه‌زدن و باروری است، و این پدیده‌ی مبارک، مراکز قدرت استکباری را به وحشت افکنده است .

اکنون امت اسلامی باید خود را آماده‌ی مقابله با مجموعه‌ئی از واکنشهای عصبی و شرارت‌آمیزی کند که مراکز قدرت استکباری در برابر این پدیده‌ی عظیم، نشان خواهند داد. شک نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه‌ی حق، از نیروی مادی و معنوی خویش بگونه‌ی درست بهره بگیرد و با خردمندی و تلاش شایسته، و با استقامت و امید، و با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و بپیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی، حق مسلمی است که وعده‌ی قرآنی برای او مقرر فرموده است: **أَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ، وَ: لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، وَ: إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ .**

شبکه‌ی سرطانی صهیونیسم و دولتمردان شرور و جنگ افروز امریکا که امروز خطرناک ترین و اصلی ترین مرکز استکبارند از راههای گوناگون به معارضة با امت اسلام برخاسته‌اند: از جنگ روانی و تبلیغاتی، تا مقابله‌ی اقتصادی، تا اقدامات عنودانه‌ی سیاسی، و تا خشونت و ترور و تقابل نظامی. آنان برای حفظ منافع نامشروع خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. نگاهی گذرا به جنایات تکان دهنده‌ی صهیونیست های غاصب در فلسطین که با حمایت دولت امریکا صورت می گیرد، و نیز مطالعه‌ی رفتار اشغالگران در عراق و افغانستان عمق شقاوت کسانی را آشکار میسازد که دنیا را از ادعای ریاکارانه‌ی حقوق بشر و طرفداری از دموکراسی و آزادی پر کرده‌اند. آنان با شعار مبارزه با تروریسم، فجیع ترین شکل ترور را مرتکب میشوند. بنام آزادسازی ملتها، دیکتاتوری و غارتگری خود را بر ملتها تحمیل می کنند. امریکا صریحاً خود را در تجاوز به کشورها و ملتها ذی حق می شمارد. دولت صهیونیست صریحاً شخصیت های فلسطینی را به ترور تهدید میکند. صهیونیست ها در فلسطین، خون پیر و جوان و زن و مرد و کودک را می ریزند و خانه‌ها را ویران می سازند. امریکا و

انگلیس در عراق به تظاهرکنندگان بی سلاح حمله میکنند و حریم خانه‌ها و حرمت نوامیس مردم را می‌شکنند. هنوز آتش‌های برافروخته‌ی آنان فرو ننشسته دنیای اسلام را به آتش افروزی‌های دیگر نوید می‌دهند.

این رفتارهای عصبی و شرارت‌آمیز، بیش از آنکه برخاسته از قدرت و اعتماد به نفس باشد، ناشی از سراسیمگی و وحشت است. آنان بیداری اسلامی را حس می‌کنند و از فراگیری اندیشه‌ی «اسلام سیاسی» و حاکمیت اسلام بشدت احساس خطر میکنند. آنان از فکر روزی که امت اسلامی یکپارچه و امیدوار، بپا خیزد به خود می‌لرزند. در آن روز، امت اسلامی با ثروت طبیعی، و میراث عظیم فرهنگی و تاریخی، و با گستردگی جغرافیائی و نفوس پر شمار انسانی، به قدرتهای سلطه‌گری که دوست سال خونش را مکیده و حرمت و کرامتش را پایمال کرده‌اند، اجازه نخواهد داد که این طغیان و تجاوز را ادامه دهند.

اکنون نخبگان سیاسی و فکری در دنیای اسلام وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. اندیشمندان مسلمان، پیام آزادیبخش اسلام را هر چه رساتر و شیواتر، به گوش و دل آحاد مردم خود برسانند. هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را بدرستی تبیین کنند. تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون: حقوق بشر، آزادی و مردم سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض، مبارزه با فقر و عقب ماندگی علمی برای جوانان بازگو کنند. فریب رسانه‌ئی غرب را در باره‌ی مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی، برای همگان آشکار سازند. امروز جهان غرب است که باید به لحاظ نظری و عملی در این موضوعات به چالش کشیده شود و در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشد. جهان

غرب باید در باره‌ی کشتار کودکان خردسال در فلسطین، در باره‌ی حقوق زن و حفظ کرامت او، درباره‌ی حق ملتها در تعیین سرنوشت خود، درباره‌ی حق ملتها در بهره‌گیری از ثروت‌های خود و حتی درباره‌ی آزادی شهروندان خود پاسخگو باشد. آیا ممنوعیت حجاب در برخی کشورهای اروپائی نشانه‌ی دروغ بودن اعتقاد به آزادی نیست؟

مردان سیاست و کارگزاران حکومت در کشورهای اسلامی نیز وظائف تاریخی و بزرگی بر دوش دارند. تکیه بر ملتهای خود و دست رد زدن بر توقعات تحمیل‌آمیز و تمام نشدنی قدرتهای استکباری، مهمترین این وظائف است. آنان نباید هویت عظیم و پر قدرت «امت اسلامی» را که میتواند گره گشای بسیاری از مشکلات باشد، از یاد ببرند. در مسائل جهان اسلام، شاخص تعیین کننده در تصمیم گیریها باید مصالح امت اسلامی و حفظ اقتدار آن باشد. امروز خروج اشغالگران از عراق و تثبیت حاکمیت ملی در آن کشور؛ بیرون رفتن نظامیان بیگانه از افغانستان و تاکید بر اسلامیت و استقلال آن کشور؛ کمک به ملت مظلوم فلسطین و تقویت مادی و معنوی کسانی که به دفاع از جان و مال و عزت و استقلال خود در برابر غاصبان برخاسته‌اند؛ ترویج شعائر دینی و ایمان مذهبی در همه جای دنیای اسلام، نزدیک شدن روز افزون دولتهای مسلمان به یکدیگر و حل مناقشات آنان با یکدیگر، فعال شدن سازمان کنفرانس اسلامی و پیگیری حق وتوی آن در شورای امنیت سازمان ملل، همه و همه در جهت مصالح امت اسلامی است، پس باید در سیاستها و تلاشهای همه‌ی دولتهای مسلمان گنجانیده شود. و ملتها و نخبگان، آن را از حکومتهای خود مطالبه کنند. ملت و دولت ایران که در این روزها بیست و پنج سالگی نظام جمهوری اسلامی را جشن میگیرند، در این راه پر افتخار، تجربه‌های گرانبهائی اندوخته و الگوی شایسته‌ئی در برابر همگان قرار داده‌اند. ما با اتکال به خدای بزرگ و

مقتدر، و با بهره‌گیری از نیروی ملتی که به ایمان و معرفت، مجهز است، هدفهای بزرگ خود را تعقیب کرده و با گامهای مستحکم به سوی آن پیش رفته‌ایم. دانش و فناوری را آمیخته با ارزشهای معنوی، و استقلال و آزادی را همراه با تقید به حدود دینی، و مردمسالاری را برخواسته از آموزشهای قرآنی فرا گرفته و بکار بسته‌ایم. کشور ما در این مدت بیشترین تهدید و عناد و خباثت را از استکبار دریافت کرده و ملت ما در این مدت، بیشترین ایمان و ایستادگی و افتخار را کسب کرده است. ما سخن قرآن را در عمل تجربه کردیم که میفرماید: ان کید الشیطان کان ضعیفا، و میفرماید: ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون، و میفرماید: و ان الله علی نصرهم لقدير .

ما افق آینده را در برابر ملت خود و جهان اسلام، روشن می‌بینیم و با اعتماد روزافزون به وعده‌ی الهی، راهی را که امام خمینی عظیم ترسیم کرده است، با عزم راسخ ادامه می‌دهیم.

والعاقبة للمتقین.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سیدعلی خامنه‌ای